

مبانی روش‌شناختی تحقیق میدانی و چگونگی انجام آن

محمدتقی ایمان* / اسفندیار غفاری نسب**

چکیده

از قرن هفده مناظره شدیدی در این باره صورت گرفته که مطالعه جامعه انسانی با شیوه‌های علوم طبیعی و با استفاده از روش اثبات‌گرایانه درست نیست. از دیدگاه ویکو، ویژگی اصلی جامعه آن است که نظام معانی آن به گونه‌ای جمعی ایجاد گردیده است. وی روش تفسیری را در مقابل روش‌های علوم طبیعی ارائه می‌کرد. از دیگر پیشگامان رویکرد تفسیری، دیلتای است. به نظر او، اموری مانند ذهن، طبیعت و فرهنگ اموری ذاتاً متفاوت هستند. در حالی که اثبات‌گرایی می‌کوشد تا به کنترل فنی بر پدیده‌ها دست یابد، دیدگاه تفسیری علاقه‌مند به درک این است که چگونه کنش‌ها به طور متقابل معنی‌دار می‌گردند. در دوره کنونی روش‌های تحقیق کیفی در رشته‌های علوم اجتماعی به صورت فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. سابقه تحقیقات کیفی به کار مکتب شیکاگو در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ باز می‌گردد. تحقیق کیفی به تولید یافته‌هایی می‌پردازد که از طریق روش‌های آماری یا سایر روش‌های کمی قابل دسترسی نیست. محققان کیفی علاقه‌مند به مسئله معنا هستند. اینگونه تحقیق مبتنی بر رویکرد تفسیری است؛ اینکه افراد چگونه به زندگی، تجربیات و ساختارهای جهان اجتماعی معنا می‌دهند. تحقیق کیفی مستلزم کار میدانی است. از این رو، محقق مستقیماً با افراد مورد بررسی ارتباط برقرار کرده و عملاً در محیط حضور می‌یابد تا در محیط طبیعی به مشاهده و ثبت رفتار بپردازد. کلیدواژه‌ها: تحقیق کیفی، اثبات‌گرایی، روش‌شناسی تفسیری، تحقیق میدانی، نظام معانی، مشاهده.

Iman@shirazu.ac.ir

ghafari.na@gmail.com

* استاد دانشگاه شیراز

** استادیار دانشگاه شیراز

دریافت: ۸۹/۱۰/۷ - پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۸

مقدمه

با توجه به خاستگاه‌های اندیشه اثبات‌گرایی، از قرن هفدهم مباحث و مناظره‌های شدیدی در این‌باره صورت گرفت که مطالعه جامعه انسانی به شیوه علوم طبیعی نمی‌تواند درست باشد. در علوم اجتماعی، چهره‌های برجسته‌ای همچون ویکو^۱ و دیلتای^۲، توسعه و تحول فلسفه هرمنوتیک را مد نظر قرار دادند و پس از آن نیز پدیدارشناسان به گسترش این سنت فکری پرداختند. از پیشگامان این نحله، فکری ویکو بود که تاریخ انسان را به عنوان فرایندی تلقی نمود که نمایانگر بلوغ ذهن انسان است و می‌خواهد سرشت و ذات خداوند را درک نماید.^۳

ویکو معتقد است ریاضیات و تاریخ انسان موضوعاتی هستند که ما نوع خاصی از دانش درباره آنها داریم و انسان می‌تواند نوعی دانش را درباره اموری که خود آن را بر ساخته و به وجود آورده کسب نماید که رسیدن به چنین دانشی درباره پدیده‌های طبیعی امکان‌پذیر نیست.^۴ از دیدگاه ویکو، ویژگی اصلی جامعه آن است که نظام معنایی آن به گونه‌ای جمعی ایجاد گردیده است. کشف اصلی ویکو گسترش ریخت‌شناسیک نظام نمادین است که رشد فرهنگ، واحد اصلی آن را تشکیل می‌دهد. جوامع به گونه‌ای فعالانه به ایجاد نظام‌های معانی پرداخته و از طریق آن به فهم و شناسایی خود می‌پردازند. ویکو روش تفسیری خود را در تقابل با روش‌های علوم طبیعی می‌انگاشت. بنابراین، او تأکید می‌ورزید که مطالعه انسان و جامعه در تاریخ بسیار متفاوت از طبیعت است. این مضمون و درونمایه به ویژه از سوی اندیشمندان آلمانی قرن نوزدهم گسترش یافت. از جمله اینکه شلایرماخر^۵ هرمنوتیک و علم تفسیر را از زمینه اولیه آن در لغت‌شناسی جدا کرد و آن را در مورد مسائل دانش تاریخی به کار برد و آن را به صورت مسئله تاریخی درآورد. علم هرمنوتیک به طور اعم به مطالعه فعالیت‌های انسان و به طور اخص به بررسی امکان فهم تفسیر پرداخت.^۶ به هر روی، راه تفسیر راهی بود که تقریباً نظریه‌پردازان آلمانی آن را در پیش می‌گرفتند. شلایرماخر نخستین کسی بود که این روش را به مقامی که قادر است علوم انسانی را وحدت بخشد، ارتقا داد. مکاتب مختلف تفهیمی در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم وارث تفکر تفسیری هستند.^۷ شلایرماخر معتقد است که اندیشه و هستی همبسته‌اند.

شلایرماخر معتقد بود که هرچه بتواند موضوع تفسیر قرار گیرد در حیطه تأویل است و این روش بر حسب علوم یا موضوعی که فهم آن مورد نظر ماست، ذاتاً تغییر نمی‌کند و در

همه موارد، یعنی چه در مورد خواندن روزنامه و چه در مورد شناخت دیگران و به طور کلی در مورد هر زبانی نوعی مسئله تفسیر مطرح می‌شود. از این‌رو، این روش مانند هر روش علمی دیگر عبارت از نوعی بازسازی است.^۸

از دیگر پیشگامان رویکرد تفسیری دیتای است. دیتای در علم هرمنوتیک (تفسیر) مبادرت به ملاحظه مبنایی برای علوم انسانی و اجتماعی نمود؛ یعنی رشته‌هایی که حیات درونی انسان را تفسیر می‌کنند، چه این بیان‌ها، اداها و اطوار آدمی و افعال تاریخی و قوانین اساسی و آثار هنری باشند و چه ادبیات. مقصود دیتای توسعه روش‌های دست‌یابی به تفسیر به طور عینی و معتبر از بیان‌های حیات درونی بود. او در عین حال، نسبت به گرایش موجود در علوم انسانی در خصوص اتخاذ صرف معیارها و شیوه‌های تفکر علوم طبیعی و کاربرتن آنها برای مطالعه انسان شدیداً واکنش نشان داد. از نظر او سنت ایده‌آلیستی نیز انتخاب‌پذیری نبود.^۹

مسئله فهم انسان برای دیتای مسئله بازیابی آگاهی از تاریخ‌مندی وجود ماست که در مقولات ایستای علم گم شده است. ما زندگی را در مقولات مکانیکی قدرت تجربه نمی‌کنیم، بلکه در سویه‌های پیچیده و خاص معنا و سویه‌های تجربه‌های مستقیم زندگی در تمامیت آن و درک امر جزئی و خاص تجربه می‌کنیم. این واحدهای معنا مستلزم زمینه گذشته و افق انتظارات آینده است.^{۱۰} دیتای معتقد بود که پویایی‌های حیات درونی انسان ترکیبی از شناخت و احساس و اراده هستند. از این‌رو، این‌ها را نمی‌توان تابع معیارهای علیت و دقت شبه‌مکانیکی و کمی ساخت. سپردن وظیفه فهم انسان به مقولات فکری مستنبط از نقد عقل محض، در واقع، تحمیل مجموعه‌ای از مقولات انتزاعی از بیرون زندگی است که به هیچ وجه مأخوذ از آن نیست. دیتای ادعا کرد که در علوم انسانی الگوهای تازه‌ای برای تأویل پدیدارهای انسانی ساخته است. این الگوها از خود خصلت تجربه زندگی گرفته شده بودند. آنها به جای مقولات قدرت، بر مقولات معنا، و به جای ریاضیات، بر تاریخ مبتنی شده‌اند. ما قادریم به جهان انسانی و درونی نفوذ کنیم، اما نه از طریق درون‌بینی، بلکه از طریق تأویل؛ یعنی فهم بیان‌ها و جلوه‌های زندگی. به عبارت دیگر، از طرق گشودن مهر انسان بر زندگی.^{۱۱}

پس تفاوت میان علوم انسانی و علوم طبیعی در نوع متفاوت موضوع در علوم انسانی یا در نوع درک متفاوت قرار ندارد. تفاوت‌های ماهوی در متنی قرار دارد که در آن موضوع

ادراک فهمیده می‌شود. بر این اساس، تفاوت میان علوم طبیعی و انسانی با توجه به نحوه خاص شناسایی از بنیاد تعیین نمی‌شود، بلکه از حیث محتوا تفاوت می‌کند.^{۱۲}

دیلتای معتقد بود که کلمه کلیدی برای علوم انسانی، «فهم» و برای علوم طبیعی «تبیین» است. اما رویکردی که پدیدارهای جهان درون و بیرونی را یکی می‌کند، فهم است. علوم طبیعی، طبیعت را تبیین می‌کند و علوم انسانی بیان‌ها و جلوه‌های زندگی را می‌فهمد. دیلتای مدعی می‌شود که علوم انسانی می‌باید برای ضابطه‌بندی روش‌شناسی فهمی بکوشد؛ تلاشی که از عینیت تقلیل‌گرایانه علوم فراتر می‌رود و به غنای زندگی و غنای تجربه انسانی رجوع می‌کند.^{۱۳} دیلتای می‌گوید: ما طبیعت را توضیح می‌دهیم، اما انسان را باید بفهمیم. پس فهم علمی، ذهنی است که به وسیله آن تجربه زندگی انسان زنده را درک می‌کنیم.^{۱۴} به هر روی، دیلتای دیدگاه خود را بر مبنای کار شلایرماخر استوار می‌سازد و نظرگاه او بخشی از واکنش رومانتیک گسترده علیه اثبات‌گرایی است. او معتقد است که روش‌شناسی اثبات‌گرا جایی برای این باقی نمی‌گذارد که جامعه و تاریخ فرآورده‌ها و مخلوقات انسان هستند و این امر اساس تمام مشکلات اجتماعی است. مطالعه تاریخ انسان باید مبتنی بر این واقعیت باشد که انسان‌ها مخلوقات هدفمند هستند. زندگی آنها در واقعیتی پیچیده شده که برای آنها دارای معنا است. روش باید به شناخت کنش‌ها، رویدادها و فرآورده‌ها از درون زندگی انسان پردازد، نه به عنوان مشاهده واقعیت خارجی. دانش فرد فقط می‌تواند از طریق روش تفسیری به دست آید که این روش تفسیری ریشه در بازآفرینی تخیلی تجربیات دیگران دارد. بر این اساس، درک و فهم این پدیده‌ها مستلزم وجود تجربیات زیسته دیگران است که از طریق فهم معنای درونی، می‌توان آنها را درک کرد. جهان اجتماعی و تاریخی یک جهان نمادین است که به وسیله ذهن انسان تولید شده و نمی‌توان آنها را صرفاً رابطه چیزهای مادی دانست.^{۱۵} از این رو، برای دیلتای اموری مانند ذهن، طبیعت و فرهنگ‌اموری ذاتاً متفاوت هستند و مستلزم روش‌های متفاوتی نیز برای مطالعه می‌باشند. علوم طبیعی که عمدتاً بر اساس روش‌های اثبات‌گرایی درک می‌شود به مطالعه جهان عینی، بی‌جان و غیرانسانی می‌پردازد؛ در حالی که جامعه محصول ذهن انسان و دارای جنبه ذهنی، احساسی و فکری و عقلی است. رفتار اجتماعی انسان همواره با ارزش‌ها عجین و درآمیخته است. مشاهده‌گر به عنوان انسانی که به مطالعه سایر انسان‌ها می‌پردازد، از طریق برخی از اشکال بازسازی تخیلی یا همدلی به درک جهان اجتماعی دیگران نایل می‌آید.^{۱۶}

به هر روی، دیلتای در پی آن است که مبنایی جدید برای علوم انسانی فراهم آورد.^{۱۷} با این همه، این طرح اولیه دیلتای او را با مشکلات متعددی روبه‌رو ساخت. سؤال‌هایی مانند اینکه آیا تلاش ذهن برای عینیت بخشیدن به معانی درونی خود موجب دگرگونی این معانی نمی‌شود، شکل گرفت. دیگران از جمله ریکرت^{۱۸} دیدگاه دیلتای درباره دوگانگی واقعیت را نپذیرفتند و اذعان داشتند که واقعیت تقسیم‌ناپذیر است. اما ریکرت برخلاف اثبات‌گرایان بر آن نیست که روش‌های علوم طبیعی را می‌توان در مورد جهان اجتماعی، فرهنگ و تاریخ به کار گرفت. تفاوت‌های میان علوم اجتماعی یا فرهنگی مبتنی بر منطق است تا اینکه بر پایه هستی‌شناسی استوار باشد. بنابراین، برخلاف نظر اثبات‌گرایان، علیت حاصل انطباق با جهان خارج نیست، بلکه واقعیات جنبه میان‌ذهنی داشته و به وسیله کسانی که به دانستن آنها علاقه دارند، واقعیت پیدا می‌کند. بر این اساس، اگر دانش قوانین طبیعت تنها دانشی باشد که افراد بخواهند، روش مشروعی که منجر به اکتشاف می‌شود، روش علوم طبیعی است. اگر علایق معطوف به دانستن چیزهای متفاوتی باشد، پس روش‌ها متفاوت خواهند بود. دیلتای و ریکرت دلایل متفاوتی را برای کاربرد روش‌شناسی مختلف در مورد جهان اجتماعی و طبیعی ارائه می‌کنند.^{۱۹} دیلتای در صدد فهم این است که چرا روش تفسیری علومی که موضوع آنها ذهن و روح است، با روش علوم طبیعی تفاوت دارد.^{۲۰} با وجود این، هر دو بر این نظرند که علوم طبیعی اثبات‌گرا نمی‌تواند به دانش کامل و رسا دست یابد.

وبر به شیوه‌ای گزینشی، بیشتر تحت تأثیر ریکرت قرار گرفت. او ویژگی متمایز علوم اجتماعی را می‌پذیرد. وی با این نظر موافق نیست که آنها غیرعلمی هستند و نمی‌توانند معیارهای دقیق عینیت را برآورده سازند. وبر به شیوه دیلتای اهمیت تفهّم تفسیری را به عنوان شکلی متمایز و ویژه علوم اجتماعی و تاریخی می‌داند و آن را فقط به عنوان ابزارهایی در جهت دانش علمی تلقی می‌نماید. او به شیوه ریکرت از این دیدگاه حمایت می‌کند که تمایز اساسی میان علوم طبیعی و علوم اجتماعی جنبه روش‌شناختی دارد تا اینکه جنبه هستی‌شناختی داشته باشد. از دیدگاه وبر، امکان «تفهّم تفسیری» در علوم اجتماعی یک فرصت عظیم است. منظور آن است که کنش انسانی می‌تواند با عمق بیشتری مطالعه شود، نسبت به میزانی که یک دانشمند طبیعی می‌تواند در جهان غیرمادی رسوخ و نفوذ کند.^{۲۱}

ماکس ویر معتقد است: جامعه‌شناسی علمی است که به تفسیر و فهم جهان اجتماعی می‌پردازد. رفتار انسان از دیدگاه ویر کنشی نیت‌مندانه است که کمابیش معنایی را به عمل فرد نسبت می‌دهد.^{۲۲} نیت‌مندی رفتار اجتماعی، ویژگی‌ای است که دارای بیشترین ارتباط و تناسب با تحلیل جامعه‌شناختی است. ماکس ویر بر آن است که معنا همیشه از سوی کنشگر به آسانی درک نمی‌شود و کشف معنا هدف اصلی تحقیق اجتماعی است. هدف اصلی از مطالعه رفتار انسان، فهم و درک آن است. ویر نیز مانند دیلتای ضروری دانست که تحلیل خود را بر مبنای روش‌شناسی‌ای متفاوت از روش‌شناسی علوم طبیعی قرار دهد. از دیدگاه ویر، تفهّم به معنای درک کنش اجتماعی بر مبنای سطح معناست و این معنا ممکن است به ارزش‌ها یا اهداف ذهنی بستگی داشته باشد. با برقراری رابطه میان کنش و معناست که آن را برای خود قابل درک می‌سازیم.^{۲۳} ویر ضمن تأکید بر کنش اجتماعی با معنا یا هدف‌نگر، به بررسی مفهوم تفهّم که انعکاس‌دهنده چگونگی نگرش مردم در خلق معنا و دلایل و انگیزش‌های آنها می‌باشد، می‌پردازد.^{۲۴} چنان‌که گفته شد، جامعه‌شناسی تفسیری فرد و عمل او را به عنوان واحد اساسی بررسی‌های خود و همچون ذره‌ای لحاظ می‌کند. در این رهیافت، فرد حد غایی و تنها حامل رفتار معنادار است. پس وظیفه جامعه‌شناسی این است که این مفاهیم را به عملی قابل فهم فرو کاهد. ابزارها یا فرایندهای را که از طریق آن محققان به این نوع تفسیر از کنش انسانی دست می‌یابند، «تفهّم» می‌نامند.^{۲۵} خلاصه آنکه در حالی که اثبات‌گرایی می‌کوشد به کنترل فنی بر پدیده‌ها دست یابد، از دیدگاه اثبات‌گرایی، وجه مشخص پیش‌بینی علاقه به کنترل فنی است. اما از دیدگاه تفسیری، علاقه به پیش‌بینی تابع نیاز به درک این است که چگونه کنش‌ها به طور متقابل معنادار می‌گردند. ما نمی‌توانیم با افراد دیگر ارتباط برقرار کنیم، مگر آنکه دریابیم چگونه آن افراد به پیامی پاسخ خواهند داد که ما قصد داریم برای آنها بفرستیم. یک تفسیرگرا نمی‌تواند با افراد مورد مطالعه ارتباط برقرار کند، مگر اینکه قادر باشد امور را از دیدگاه خود آنها ببیند. اتخاذ دیدگاه بی‌طرفانه ناممکن است.^{۲۶}

به هر روی، این مسائل در تعریف ویر از کنش نهفته است. یک کنش در صورتی اجتماعی است که کنشگر اجتماعی، معنای معینی را به عمل خود نسبت دهد و بر اساس این معنا با دیگران رابطه برقرار کند. رویکرد متقابل کنش‌ها به صورت مکانیکی مبتنی بر محرک و پاسخ نیست، بلکه کنشگران به تفسیر می‌پردازند و به رفتار خود و دیگران معنا

نسبت می‌دهند. در مورد معنا مهم‌ترین واقعیت این است که انسان‌ها دارای حیاتی روحی غنی و بسیار گوناگونی هستند که در تمام ساخته‌ها و نهادهایی که در آن زندگی می‌کنند، بازتاب می‌یابد.^{۲۷}

روش تحقیق کیفی

روش‌های تحقیق کیفی در رشته‌های علوم اجتماعی به صورت فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۲۸} به هر روی، تحقیق کیفی دارای تاریخ طولانی و مشخصی در علوم انسانی است. در جامعه‌شناسی کار مکتب شیکاگو در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ موجب روشن شدن اهمیت تحقیق کیفی برای مطالعه زندگی گروه انسانی گردید. در همین زمان نیز انسان‌شناسان برجسته به انجام تحقیقات کیفی روی آوردند و برای مطالعه و بررسی رسوم و عادت جوامع و فرهنگ‌های دیگر، به جوامع بومی غیرغربی رفتند.^{۲۹}

منظور از اصطلاح تحقیق کیفی، هرگونه تحقیقی است که به تولید یافته‌هایی می‌پردازد که از طریق روش‌های آماری یا سایر روش‌های کمی‌سازی دسترسی‌پذیر نیست. روش‌های کیفی را می‌توان برای کشف حوزه‌های اساسی و بنیادی به کار برد که درباره آنها اطلاعات اندکی وجود دارد، یا اینکه هدف کسب اطلاعات تازه و بدیع است. از این گذشته، روش‌های تحقیق کیفی را می‌توان برای کسب اطلاعات دقیق و جزئی درباره پدیده‌هایی مانند احساسات و فرایندهای تفکر به کار برد که فهم، یادگیری و کسب اطلاعات درباره آنها از طریق روش‌های مرسوم تحقیق، دشوار است. مؤلفه اصلی در تحقیق کیفی داده‌هایی است که از منابع گوناگونی مانند مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها، اسناد و مدارک و فیلم‌ها گردآوری شده است.^{۳۰}

طرح تحقیق کیفی

اسلوب‌های تحقیق کیفی و کمی به شیوه‌های مختلفی با یکدیگر تفاوت دارند، اما در سایر جهات مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند. ماهیت خود داده‌ها و آنچه را که محقق به عنوان داده تلقی می‌کند، یکی از منابع تفاوت است. تمام محققان اجتماعی به گونه‌ای منظم به گردآوری و تحلیل شواهد برای فهم و تبیین جهان اجتماعی می‌پردازند.^{۳۱} داده‌های کیفی از واژه و کلمات، تصاویر و صداها تشکیل شده و معمولاً بنا به ماهیت ساخت نیافته است.^{۳۲}

تفاوت دیگر، به جهت گیری تحقیق کیفی مربوط است. تحقیق کیفی پیش فرض‌هایی درباره زندگی اجتماعی، اهداف تحقیق و شیوه‌های بررسی داده‌ها انتخاب کرده که اغلب با رهیافت کمی ناسازگار است.^{۳۳} در ذیل، به برخی از پیش فرض‌های تحقیق کیفی اشاره می‌شود:

۱. محققان کیفی عمدتاً به فرایند می‌پردازند تا اینکه به پیامدها یا فراورده‌ها توجه داشته باشند.
۲. محققان کیفی علاقه‌مند به مسئله معنا هستند، اینکه چگونه افراد به زندگی، تجربیات و ساختارهای جهان اجتماعی معنا می‌دهند.
۳. محقق کیفی، خود ابزار اصلی گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها است، داده‌ها به وسیله همین ابزار انسانی (محقق) گردآوری می‌شود.
۴. تحقیق کیفی مستلزم کار میدانی است، محقق مستقیماً با افراد مورد بررسی، ارتباط برقرار کرده و عملاً در محیط حضور می‌یابد تا در محیطی طبیعی به مشاهده و ثبت رفتار پردازد.
۵. تحقیق کیفی جنبه توصیفی داشته و محقق به فرایند معنا و درک و فهمی که از طریق کلمات یا تصاویر به دست می‌آید، علاقه‌مند است.
۶. فرایند تحقیق کیفی جنبه استقرایی داشته و از داده‌ها و جزئیات آغاز کرده و سپس به ساختن مفاهیم، فرضیه‌ها و نظریه‌ها می‌پردازد.^{۳۴}

تحقیق کیفی و نقد اثبات‌گرایی

تحقیق کیفی بیشتر متکی بر رویکردهای تفسیری است. تحقیقی کیفی با پیش فرض‌های رویکرد تفسیری سازگاری بیشتری دارد. محقق کیفی بر معانی ذهنی، تعاریف، استعاره‌ها، نمادها و توصیف موارد خاص تأکید می‌کند. در مورد فنون تحقیق باید گفت که رویکرد تکنوکراتیک^{۳۵} با اثبات‌گرایی هم‌خوانی بیشتری دارد و دیدگاه استعلایی^{۳۶} با رویکردهای تفسیری. سؤالات تحقیق ریشه در دیدگاه افراد مورد مطالعه دارند، نه اینکه از خارج آنها نشأت بگیرد. هدف آنها زدودن باورهای غلط در ضمن مطالعه است. تحقیق کیفی افراد را بیشتر به عنوان موجوداتی خلاق، پویا و فعال مورد بررسی قرار می‌دهد و روابط اجتماعی را بیشتر به عنوان کنش‌های اراده‌جویانه تلقی کرده، خود بار مسئولیت و زندگی‌شان را بر

عهده می‌گیرد. نیز در تغییر اجتماعی مشارکت جویند، بدین معنا که باید از شرایط اجتماعی موجود عبور کرده و برگذرند.^{۳۷}

محققان معمولاً در مراحل انجام تحقیق یک مسیری را طی می‌کنند. تحقیق کیفی بیشتر جنبه غیرخطی و چرخه‌ای^{۳۸} دارد. مسیر تحقیق چرخه‌ای اگرچه از مراحل متوالی می‌گذرد، اما به جای آنکه در یک خط مستقیم حرکت کند، گاه به عقب باز می‌گردد و پس از تأمل دوباره به پیش می‌رود. این روند بیشتر جنبه مارپیچی دارد، هرچند به آهستگی صعود کرده و به پیش می‌رود، اما در یک خط راست و مستقیم حرکت نمی‌کند. با هر چرخش یا تکراری محقق به گردآوری داده‌های تازه پرداخته، بینش جدیدی را کسب می‌کند. چرخه‌ای بودن تحقیق کیفی به معنای آشفتگی و ناکارایی نیست، بلکه تحقیق کیفی در زمینه ایجاد احساس و درک کلی، فهم معنای پیچیده، در کنار هم قرار دادن اطلاعات پراکنده از روش‌های سایر علوم انسانی اقتباس می‌کند و رویکردی در جهت ساختن و ایجاد معنا دارد. مسیر چرخه‌ای برای ترجمه این زبان‌ها، معانی، دلالت پیچیده یا تمایزهای مبتنی بر متن می‌تواند مهم باشد.^{۳۹}

منطق تحقیق میدانی

بر اساس نظر کاپلان، گزاره‌ها درباره انجام تحقیق اجتماعی از دو منطق پیروی می‌کنند: منطق بازسازی‌شده^{۴۰} و منطق عملگرا. اگرچه معمولاً تحقیقات هر دو را در هم می‌آمیزند، اما گزاره‌ها در تحقیق کمی، بیشتر از منطق بازسازی‌شده پیروی می‌کنند و در تحقیق کیفی، از منطق عملگرا.^{۴۱}

منطق بازسازی‌شده به این معناست که چگونه می‌توان تحقیق را به شکلی آرمانی، صوری و منظم درآورد، و آن را در چارچوب قواعد و اصطلاحاتی که به لحاظ منطقی منسجم‌اند، بازسازی کرد. این منطق الگویی ناب و خالص در این‌باره ارائه می‌کند که چگونه یک تحقیق را می‌توان انجام داد. مثلاً، در قواعد نمونه‌گیری تصادفی از روشی بسیار واضح، مستقیم و گام‌به‌گام استفاده می‌شود.

در منطق عملگرا مهم این است که چگونه می‌توان عملاً به انجام تحقیق پرداخت. این منطق بر پایه قضاوت‌ها یا هنجارهایی استوار است که در میان محققان مجرب به هنگام بحث درباره نحوه انجام تحقیق وجود دارد. به عبارت دیگر، اینگونه منطق مبتنی بر عقل غیرصوری، ناشی از تجربیات محققان است.

تاریخچه مختصر تحقیق میدانی

تحقیق میدانی را برخی معادل تحقیق کیفی می‌گیرند؛ چرا که مشاهدات معمولاً به زبان عادی و روزمره مانند روزنامه‌ها بیان می‌شود. در واقع، هدف تحقیقات میدانی اغلب آن است که مشاهده جهان بر اساس چارچوب مرجع افراد مورد بررسی انجام گیرد. از این رو، رویس معتقد است: «ممکن است محققان میدانی به گونه‌ای فعال در زندگی افراد و موقعیت‌های مورد مطالعه، شرکت جویند».^{۴۲} البته یافتن فرمولی مناسب در مورد نحوه انجام این تحقیق چندان آسان نیست. از این رو، یونگر می‌گوید: «محقق در صورتی می‌تواند به اطلاعات لازم دسترسی پیدا کند که صادقانه بخواهد از منظری تازه به دیگران بنگرد و مطالبی را درباره آنها یاد بگیرد».^{۴۳} از همین روست که بسیاری از دانشجویان مجذوب تحقیقات میدانی می‌شوند؛ چون انجام تحقیق میدانی مستلزم برقراری ارتباط با مردمان غیر از جامعه محقق است. در این باره نویمان می‌گوید:

در این روش، علم ریاضی خشک و بی‌روح، یا آمارهای پیچیده و فرضیه‌های قیاسی انتزاعی کاربردی ندارد، بلکه در این روش یک تعامل اجتماعی مستقیم و رویاروی با محیط اجتماعی برقرار می‌شود.^{۴۴}

تحقیق میدانی بیشتر مورد توجه کسانی است که به مشاهده مردم یا اتخاذ رهیافتی انعطاف‌پذیر در زمینه انجام تحقیق علاقه‌مند هستند. افزون بر آن، گزارش‌های تحقیق میدانی می‌تواند تبیین‌های جالبی درباره دنیاهای اجتماعی ارائه کند که شامل افراد بی‌خانمان، گروه‌های پلیس، اتاق‌های انتظار و مجموعه‌های هنری و نظایر آن باشد. در تحقیق میدانی، محقق به طور مستقیم به گفت‌وگو و مشاهده افراد می‌پردازد. در ضمن تعاملی که محقق در طی سال‌ها و ماه‌ها با این افراد دارد، در زمینه‌های گوناگونی به یادگیری می‌پردازد؛ از جمله: تاریخچه زندگی افراد، سرگرمی‌ها و علایق، عادت‌ها، امیدها، هراس‌ها و رؤیاهای آنها. محقق ضمن آنکه افراد جدیدی را ملاقات می‌کند، دوستی‌هایی را گسترش می‌دهد، و دنیاهای اجتماعی جدیدی را کشف می‌کند که می‌تواند سرگرم‌کننده و آموزنده باشد. البته در عین حال، تحقیق میدانی مستلزم صرف وقت زیادی است. از نظر عاطفی، بر فرد فشار می‌آورد و گاهی اوقات نیز می‌تواند به لحاظ جسمانی مخاطره‌آمیز باشد.

حال سؤال این است که سؤالات مناسب برای تحقیق میدانی چیست؟ شما در چه زمانی می‌توانید از تحقیق میدانی استفاده کنید. انجام تحقیق میدانی آنگاه مناسب است که

سؤالات تحقیق مستلزم فهم و درک و توصیف گروهی از مردم باشد که با یکدیگر در حال تعامل هستند. از این‌رو، محققان میدانی افراد را در محیط طبیعی‌شان مورد مطالعه قرار می‌دهند. طبیعت‌گرایی سنگ‌بنای جامعه‌شناسی کیفی است. این رهیافت فرض را بر این می‌نهد که واقعیت به گونه‌ای پویا در متن و محیط طبیعی جهان اجتماعی قرار دارد. ویژگی‌های معنی‌دار زندگی روزمره متشکل از رویکردهای مشارکت‌جویان است. کنش‌ها در درون این جهان طبیعی رخ می‌دهند. هادستین در این‌باره معتقد است: «محقق طبیعت‌گرا در پی آن است که تا به توصیف دقیق و عمیق واقعیات بپردازد، بی آنکه به گسیختگی یا تحریف این جهان مبادرت ورزد. محققان از آغاز محیط‌های گوناگون روزمره، چه رسمی و غیررسمی را مورد توصیف قرار می‌دهند و شیوه‌های مختلف زندگی افراد را آشکارا شکل می‌دهند. هدف آن است که با مشاهده مردم و مشارکت در تعامل و رویدادها، شیوه‌های زندگی افراد را نشان دهند. در این تحقیقات، مکان‌هایی که در آنها تحقیقات انجام می‌گیرد، به عنوان مکان‌های طبیعی تلقی می‌شوند.»^{۴۵}

موردی که مبنای تحقیق را تشکیل می‌دهد به طور طبیعی اتفاق افتاده است و چیزی نیست که به طور تصنعی برای هدف تحقیق ایجاد شده باشد. بنابراین، مورد پدیده‌ای است که به طور طبیعی رخ داده؛ یعنی پیش از انجام تحقیق وجود داشته و پس از آن نیز وجود خواهد داشت.^{۴۶}

در مورد تاریخچه تحقیقات میدانی می‌توان گفت که گزارش‌های میدانی و توصیف رسوم، تمایلات و عملکردهای مردمان سایر سرزمین‌ها تقریباً به اندازه خود خط قدمت دارد. در قرن پنجم پیش از میلاد هرودت خوانندگان یونانی آثار خود را با حکایت داستان‌هایی از ایران و سرزمین‌های دیگر آموزش می‌داد و سرگرم می‌ساخت. وی در ضمن این گزارش‌ها، یونانی‌ها را برتر از دیگران جلوه می‌داد. سپس رومی‌ها این عمل را ادامه دادند، اما مواضع عاقلانه و جدل‌آمیزتری را اتخاذ کردند. از جمله توسیدید توصیفات و شرح‌های قابل ملاحظه‌ای از رسومات قبایل به رشته تحریر درآورد. در قرن پنجم میلادی یک زائر بودیست چینی مشاهدات گسترده خود را درباره هند ثبت کرد. وقایع‌نگاران چینی نیز توصیفات دقیقی از فرهنگ مادی و آداب و رسوم مردم نگاشتند. با ظهور امپراتوری اسلامی، تجار و سفرای مسلمان به سرزمین‌های دیگر سفر کرده و شنیده‌ها و دیده‌های خود را به نگارش درآوردند؛ از جمله احمد بن فضلان که

از بغداد به بلغارستان مسافرت کرد و توصیف‌های گسترده‌ای از وایکنیگ‌های سوئدی به دست داد.^{۴۷}

کار میدانی را می‌توان به گزارش‌های مسافران به سرزمین‌های دور بازگشت داد. در قرن دوازدهم میلادی، کاشفان اروپایی، (مبلغان مذهبی) به توصیف فرهنگ‌ها و مردمانی می‌پرداختند که به زعم خود، آنها را عجیب و غریب می‌انگاشتند. دیگران نیز برای یادگرفتن و کسب اطلاعات درباره فرهنگ‌های خارجی و بیگانه به خواندن این نگاهشته‌ها روی می‌آوردند. بعدها، در قرن نوزدهم، هنگامی که تجارت و امپراتوری‌های اروپایی به سرعت گسترش یافتند، سیاحان هم از میزان سواد و فرهیختگی بیشتری برخوردار بودند، بر میزان این‌گونه گزارش‌ها افزوده شد.

تحقیقات میدانی آکادمیک در اواخر قرن نوزدهم با ظهور انسان‌شناسی آغاز گردید. اولین انسان‌شناسان گزارش‌های کاشفان، مقامات دولتی و یا مبلغان مذهبی را مورد مطالعه قرار می‌دادند و ارتباط مستقیمی با مردمان مورد مطالعه نداشتند. این گزارش‌ها شدیداً جنبه نژادپرستانه و قوم‌گرایانه داشتند. سیاحان به ندرت زبان محلی را یاد می‌گرفتند و به ناچار به گفته‌های دیگران تکیه می‌کردند. تا دهه ۱۸۹۰ هیچ انسان‌شناس اروپایی برای یادگیری و آموختن به سرزمین‌های دیگر مهاجرت نکرده بود.^{۴۸}

واکس همچنین معتقد است که مالینوفسکی (۱۸۴۴-۱۹۴۲) انسان‌شناس انگلیسی، اولین محققی است که به زندگی با گروهی از مردمان بومی پرداخته است. این مدت طولانی است و در طی آن، به نگارش مشاهدات گردآوری‌شده پرداخته می‌شود. در دهه ۱۹۲۰، وی تحقیق میدانی ژرفانگر را به عنوان روش جدیدی معرفی نمود و مشاهده مستقیم را به عنوان روشی جداگانه مطرح کرد. او بر آن بود که محققان اجتماعی باید به گونه‌ای مستقیم با مردمان بومی تعامل برقرار کرده و با آنها زندگی کنند. بدین گونه رسوم، باورها و فرایندهای اجتماعی را یاد می‌گیرند.^{۴۹} وی همچنین بر آن بود که تحقیق میدانی باید در طی یک تا دو سال صورت گیرد و با استفاده از زبان بومی انجام شود و محقق ضمن مشارکت در فعالیت‌ها، بر اساس مقولات بومی به اندیشه بپردازد.^{۵۰}

تحقیق میدانی جامعه‌شناختی در ایالات متحده و از بخش جامعه‌شناختی دانشگاه شیکاگو آغاز گردید. تأثیر مکتب شیکاگو بر تحقیق میدانی در دو مرحله صورت پذیرفت. نخست، از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۰، این مکتب مجموعه‌ای از روش‌های متنوع را بر مبنای

مطالعه موردی یا تاریخچه زندگی به کار گرفت، که مشاهده مستقیم، مصاحبه‌های غیررسمی، خواندن اسناد یا اسناد رسمی را در بر می‌گرفت. الگوهای ژورنالیستی و انسان‌شناختی در مراحل اولیه با هم درآمیخته بودند.^{۵۱} به هر روی، تا پیش از جنگ دوم: تحقیق میدانی بر سایر روش‌های تحقیق غلبه داشت.^{۵۲} در مرحله دوم،^{۵۳} از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ مکتب شیکاگو مشاهده مشارکتی را به عنوان یک تکنیک مجزا و متمایز بسط و گسترش داد.^{۵۴}

ویژگی تحقیق میدانی

ارائه یک تعریف خاص از تحقیق میدانی دشوار است؛ زیرا این روش رویکردی به تحقیق است تا اینکه مجموعه‌ای از فنون ثابت برای کاربرد باشد. تحقیق میدانی از روش‌های مختلفی برای کسب اطلاعات استفاده می‌کند؛ چنان‌که شاتسمن و استروس می‌گویند:

تحقیق میدانی بیشتر شبیه مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که ممکن است از هر تکنیکی برای دست‌یابی به دانش مورد نظر و فرایندهای اندیشیدن درباره اطلاعات استفاده نماید. محقق میدانی که فردی طرفدار پراگماتیسم روش‌شناختی است، فردی است که از خلاقیت توانایی اندیشیدن درباره مسائل در میدان برخوردار است.^{۵۵}

تحقیق میدانی بر پایه طبیعت‌گرایی استوار است که برای مطالعه پدیده‌های دیگر به کار می‌رود. طبیعت‌گرایی در محیط‌های طبیعی به مشاهده وقایع عادی می‌پردازد، نه در محیط‌های تصنعی و ایجادشده بر مبنای تحقیق. رایس می‌گوید:

مشاهده مستقیم وقایع در محیط‌های طبیعی توسط محقق برای پایگاه یک علم ضروری است و چنانچه جامعه‌شناسی از این طبیعت‌گرایی دوری گزیند، این پایگاه علمی مورد تهدید قرار می‌گیرد.^{۵۶}

محقق میدانی به بررسی معانی اجتماعی می‌پردازد و چشم‌اندازهای چندگانه در محیط‌های اجتماعی و طبیعی را مورد درک و فهم قرار می‌دهد. محقق به درون نظام معنایی افراد وارد شده و به فراسوی دیدگاه محقق می‌رود. همان‌گونه که وان منن^{۵۷} گفته است، تحقیق میدانی دارای معانی متعددی است که از جمله عبارتند از: مشارکت و عدم مشارکت، وفاداری و بی‌وفایی، آشکار بودن و سری بودن، و به بیشترین احتمال عشق و تنفر است. محقق ضمن آنکه دیدگاه‌های متفاوتی را اتخاذ می‌کند، به مشاهده محیط می‌پردازد و به طور همزمان از دیدگاه‌های مختلفی استفاده می‌کند در اینجا محققان ضمن حفظ عضویت

در فرهنگی که در آن پرورش یافته‌اند، به عضویت گروهی که مشغول مطالعه آن می‌باشند، نیز در می‌آیند؛ به این معنا که آنها در فرهنگ دیگری نیز جامعه‌پذیر می‌گردند.^{۵۸}

مشارکت مستقیم محقق در میدان، اغلب دارای تأثیر عاطفی است. تحقیق میدانی می‌تواند سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیز باشد. اما همچنین می‌تواند زندگی خصوصی محقق، امنیت جسمانی و یا سلامت روانی وی را دچار مخاطره سازد. در عین حال، تحقیق میدانی بیش از انواع دیگر روش‌ها موجب شکل‌گیری مجدد دوستی‌ها، زندگی خانوادگی، هویت شخصی یا ارزش‌های خاص می‌گردد. ارزش و اعتبار کار میدانی بسیار بالاست، اما نه در صرف هزینه‌های مادی، بلکه در کوشش‌های جسمانی و روانی که صورت می‌گیرد. انجام تحقیق میدانی بسیار مشکل و طاقت‌فرساست و مستلزم داشتن دو نوع زندگی به طور همزمان است.^{۵۹}

فعالیت محقق در تحقیق میدانی

محقق در تحقیق میدانی مجموعه فعالیت‌های زیر را به صورت هدفمند و دقیق انجام می‌دهد:

۱. مشاهده وقایع عادی و فعالیت‌های روزمره به گونه‌ای که در محیط‌های طبیعی رخ می‌دهد. افزون بر آن، وقایع غیرعادی نیز مورد مشاهده قرار می‌گیرد.
۲. محقق به طور مستقیم در زندگی افراد مورد مطالعه مشارکت می‌ورزد و شخصاً فرایند زندگی اجتماعی روزمره را در محیط و میدان تحقیق تجربه می‌کند.
۳. محقق میدانی به دنیای درونی فرد و دیدگاه وی رسوخ می‌نماید، ولی در ضمن، دیدگاه تحلیلی خود را حفظ کرده و یا فاصله خود را از شخص بیگانه و مورد مطالعه رعایت می‌کند.
۴. از فنون گوناگون و مهارت‌های اجتماعی به روشی قابل انعطاف و متناسب با موقعیت استفاده می‌کند.
۵. تولید داده‌ها به شکل یادداشت‌های مفصل صورت می‌گیرد. همچنین اخذ نمودارها، نقشه‌ها و یا تصاویر برای ارائه توصیف‌های بسیار دقیق به کار گرفته می‌شود.
۶. مشاهده پدیده‌ها هم در کلیت آنها و هم در جزئیات منحصر به فرد و در زمینه اجتماعی آنها صورت می‌گیرد.

۷. درک و فهم افراد در یک محیط میدانی و گسترش روابط همدلانه با آنها و عدم یادداشت واقعیات خشک و بی‌روح انجام می‌پذیرد.
۸. جنبه‌های آشکار و پنهان فرهنگ ثبت و یادداشت می‌شوند.
۹. مشاهده روندها و جریان‌های اجتماعی بدون ایجاد ناراحتی، بروز آشفته‌گی و یا تحمیل دیدگاهی خارجی بر آنها صورت می‌گیرد.
۱۰. تحقیق میدانی در عین حال با سطوح بالایی از تنش روانی فردی، عدم قطعیت، وجود مسائل اخلاقی و ابهام روبه‌رو است.^{۶۰}

مراحل انجام تحقیق میدانی

طبیعت‌گرایی و مشارکت مستقیم در مطالعه میدانی بدان معناست که میزان انعطاف‌پذیری آن بیشتر، اما میزان ساختارپذیری آن کمتر است، و این عدم سازمان‌یافتگی و آمادگی مداوم در تحقیق میدانی امری ضروری است. این همچنین به این معناست که مراحل یک طرح تحقیق میدانی از قبل کاملاً مشخص نشده است، بلکه طرح تحقیق میدانی همچون یک راهنمای تقریبی و یک نقشه جاده عمل می‌کند.

محقق میدانی به ندرت از مراحل معینی پیروی می‌کند. در واقع، انعطاف‌پذیری مزیت اصلی تحقیق میدانی است که به محقق این اجازه را می‌دهد که در طی تحقیق تغییر جهت بدهد و از راهبردهای تازه استفاده نماید. محققان میدانی به خوبی فرصت‌ها را شناسایی کرده و از آنها استفاده می‌نمایند، که در این میان، شنونده بودن نقش مهمی را ایفا می‌کند.

بنابراین، محقق میدانی کار خود را با به کارگیری مجموعه‌ای از ارزش‌ها آغاز نمی‌کند، و در پی آن نیست که به آزمون مجموعه‌ای از فرضیه‌های آشکار بپردازد. او بیشتر فنون را بر اساس ارزشی که برای فراهم آوردن اطلاعات دارند، برمی‌گزیند. در آغاز، محقق کنترل اندکی بر داده‌ها اعمال می‌کند و یا تمرکز اندکی را در مورد آنها روا می‌دارد و هنگامی بر پژوهش و اعمال کنترل بر داده‌ها تأکید می‌نماید که در محیط، جامعه‌پذیر شده و مورد قبول واقع گردیده باشد.

محقق میدانی از مهارت‌های دقیقی در زمینه مشاهده، شنودن، حافظه کوتاه‌مدت و نوشتن منظم برخوردار است. پیش از ورود به میدان، یک محقق جدید به مشاهده جزئیات موقعیت‌ها و ثبت و ضبط آنها می‌پردازد. چگونگی توجه به جزئیات و حافظه کوتاه‌مدت

در طی عمل می‌تواند بهبود و اصلاح گردد. همچنین استفاده از دفترچه یادداشت روزانه روش خوبی برای نگارش یادداشت‌های میدانی است. در تحقیق میدانی نیز همچون روش‌های دیگر تحقیق، خواندن نوشته‌های علمی، محقق را در یادگیری مفاهیم، دوری از دام‌های بالقوه، و کاربرد روش‌های گردآوری داده‌ها و فنون حل تعارضات کمک می‌کند. افزون بر آن، محقق میدانی برای آنکه آشنایی و آمادگی روانی لازم برای ورود به میدان تحقیق بیابد، باید از دفترچه‌های یادداشت روزانه، رمان‌ها، مجلات و زندگینامه خودنوشت مفید استفاده کند.

محقق میدانی با موضوعات محلی و عام آغاز می‌کند، نه با فرضیات خاص. محقق میدانی از همان ابتدا دچار هیچ‌گونه سوء تفاهم و سوء برداشت نمی‌گردد. او نیازمند کسب اطلاعات است. اما در هر مرحله تحقیق می‌توان به طرح ایده‌های جدید پرداخت. این امر بدان خاطر است که یافتن سؤالات مناسب برای پرسش در میدان تحقیق وقت‌گیر است. تحقیق میدانی همچنین می‌تواند تأثیر قوی بر هویت و جهان‌بینی محقق داشته باشد. شخصیت محقق میدانی ممکن است به واسطه تجربه میدانی دست‌خوش تغییر گردد. ممکن است برخی از محققان ارزش‌ها، علاقه‌ها و تعهدات اخلاقی تازه‌ای را بپذیرند. نویمان مراحل ورود به میدان تحقیق را به شرح زیر بیان می‌کند:

۱. آماده شدن محقق، خواندن نگاشته‌ها و ادبیات تحقیق؛
۲. انتخاب مکان و میدان تحقیق و برقراری روابط اجتماعی با اعضای آن جامعه؛
۳. انتخاب مکان و میدان تحقیق و نحوه دستیابی به آن؛
۴. پذیرش نقش تازه، یادگیری شیوه آزادی عمل و برقراری رابطه نزدیک با اعضا و افراد در آنجا؛
۵. مشاهده، شنیدن و گردآوری داده‌های کیفی؛
۶. شروع به تحلیل داده‌ها، طرح فرضیه‌ها در ضمن تحقیق و آزمودن آنها؛
۷. تأکید بر جنبه‌های ویژه محیط و کاربرد نمونه‌گیری نظری؛
۸. انجام مصاحبه‌های میدانی با افراد مطلع؛
۹. به پایان رساندن حضور در میدان تحقیق و ترک محیط؛
۱۰. تکمیل تحلیل‌ها و ارائه گزارش تحقیق.^{۶۱}

راهبرد ورود به میدان تحقیق

راهبرد ورود به میدان تحقیق مستلزم داشتن راهبرد یا برنامه عمل انعطاف‌پذیر، مذاکره به منظور دستیابی به مکان تحقیق، برقراری رابطه با اعضا و تصمیم‌گیری درباره تعیین این است که تا چه حد می‌توان درباره افراد یا دروازه‌بانان کسب اطلاعات کرد.^{۶۲}

شیوه ورود و دستیابی را می‌توان به یک نردبان تشبیه کرد. محقق از پله اول آغاز می‌کند که دسترسی بدان آسان است؛ بدین‌گونه که وی یک خارجی است که در جست‌وجوی اطلاعات عمومی است. مرحله بعد، مستلزم افزایش میزان دسترسی است. هنگامی که محقق به میدان وارد می‌شود، وی مانند یک مشاهده‌گر غیرفعال عمل می‌کند که آنچه را اعضا می‌گویند، مورد چون و چرا قرار نمی‌دهد. مرحله دیگر، مرحله‌ای است که با گذشت زمان در میدان، محقق به مشاهده فعالیت‌های خاصی می‌پردازد که بالقوه حساس است و یا در پی دست یافتن به وضوح و بدهات درباره هر آنچه چیزی است که می‌بیند و یا می‌شنود. رسیدن به این مرحله دشوار است. سرانجام، محقق می‌تواند در پی شکل‌دادن به تعامل به نحوه‌ای باشد که اطلاعات خاصی را آشکار نماید و می‌تواند به اطلاعات بسیار حساسی دسترسی پیدا کند. رسیدن به این بالاترین مرحله، به ندرت امکان‌پذیر است و مستلزم کسب اعتماد عمیق است.

چگونگی مشاهده و گردآوری داده‌ها

در اینجا به بحث و بررسی در این‌باره پرداخته می‌شود که چه راه‌های و شیوه‌هایی را باید به کار گرفت تا بتوان به داده‌های کیفی دست پیدا کرد؛ داده‌هایی که قابل تجزیه و تحلیل قرار بوده و از اعتبار علمی لازم نیز برخوردار باشند. از این‌رو، می‌توان گفت: داده‌های میدانی، داده‌هایی هستند که محقق تجربه کرده و در طی یادداشت‌هایی که در میدان انجام داده آنها را ثبت و ضبط نموده است. بنابراین، این قابلیت را دارند که به گونه‌ای نظام‌مند و بر اساس چارچوب علمی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. جالب‌ترین مرحله تحقیق میدانی، گردآوری داده‌هاست. از همین‌روست که مور می‌گوید:

در طی این مرحله فقط از طریق مشاهده دقیق و مطالعه مبتنی بر چارچوب معین و مشخص است که محقق می‌تواند الگوهای موجود در روابط اجتماعی را مشخص کرده، و آنها را نشان دهد. این امر مستلزم صرف زمان، تعیین بخشی، مقاومت و ایستادگی است.^{۶۳}

داده‌های کیفی اطلاعاتی هستند که محقق گردآوری کرده و به صورت ارقام و اعداد بیان نشده باشند. اگر این تعریف را بپذیریم، دامنه داده‌های کیفی شامل اطلاعاتی بیش از آن است که به صورت کلمات و واژه‌ها بیان می‌شود. از این‌رو، تصاویر نیز جزو داده‌های کیفی هستند. حتی موسیقی و آوازه‌ها را نیز می‌توان جزو داده‌های کیفی به حساب آورد.^{۶۴}

اگرچه برخی از تازه‌واردان به میدان تحقیق معتقدند که روش مشاهده را به آسانی می‌توان به کار گرفت، اما در نگاه اول مشخص می‌شود که این‌گونه نیست؛ انجام مشاهده میدانی به لحاظ تحلیلی دشوار است. با توجه به هدف تحقیق و روابط قبلی محقق با افراد مورد بررسی، مشاهده مشارکتی مستلزم صرف وقت زیاد و گذراندن اوقات زیادی در میدان، با افراد مورد بررسی است. در حالی که هر مشاهده مشارکتی به ترکیبی از روش‌ها و فنون اشاره می‌کند، مستلزم میزانی از تعامل اجتماعی خلاقانه در میدان با افراد مورد بررسی نیز هست. تحقیق میدانی به طور عام و مشاهده مشارکتی به طور اخص جنبه تلفیقی دارند. به هر روی، تحقیق میدانی مستلزم نگرش مجزا و متمایز به تحقیق و ترکیب مجموعه‌ای از روش‌هاست.^{۶۵}

محقق میدانی دقیقاً به بررسی محیط فیزیکی تحقیق می‌پردازد و از این طریق سعی در شناخت و درک فضای آن می‌نماید. سؤالاتی که وی مطرح می‌کند عبارتند از: رنگ کف یا سقف اتاق چگونه است؟ اندازه اتاق چقدر است؟ اسباب و اثاثیه داخل منزل چگونه تنظیم شده است و وضعیت نور اتاق چگونه است؟ آیا در آنجا علائم، نقاشی‌ها و گیاهانی وجود دارد؟ چه صداها و بوهایی در آنجا وجود دارد؟ افزون بر بررسی محیط‌های فیزیکی، هر محقق میدانی به مشاهده مردم و کنش‌های آنها و نیز به یادداشت ویژگی‌های جسمانی قابل مشاهده شخصی مانند سن، جنس و نژاد و ظاهر آنها می‌پردازد.^{۶۶}

یادداشت مشاهدات

بیشتر داده‌های تحقیق میدانی به شکل یادداشت‌های میدانی وجود دارند. یادداشت‌های میدانی کامل ممکن است شامل نقشه‌ها، نمودارها، عکس، مصاحبه‌ها، نوار ویدئویی، خاطرات و اشیای متعلق به میدان تحقیق و یادداشت‌های مفصل و دقیقی شود که خارج از میدان تحقیق به رشته تحریر درآمده است. ممکن است زمانی را که محقق صرف نوشتن یادداشت‌ها می‌کند بیشتر از زمانی باشد که در میدان حضور داشته است. برخی از محققان

برای - فرضاً - سه ساعت که در میدان حضور دارند، ممکن است حدود ۴۰ صفحه یادداشت‌برداری کنند. نوشتن یادداشت‌ها متضمن توصیفات دقیق و جزئی است که برآمده از حافظه است. این یادداشت‌ها باید دقیق و سازمان‌یافته باشد؛ چرا که ممکن است محقق نیاز به این داشته باشد که به طور مکرر بدان مراجعه کند. محقق با آنها به گونه‌ای دقیق برخورد کرده و آنها را محرمانه نگه می‌دارد. افراد مورد تحقیق این حق را دارند که اسامی‌شان محفوظ باقی بماند و محقق نیز اغلب از اسامی مستعار برای آنها استفاده می‌کند.^{۶۷}

انواع یادداشت‌ها در میدان تحقیق

محقق میدانی به شیوه‌های مختلفی به نوشتن یادداشت‌های میدانی می‌پردازد. یادداشت‌های میدانی کامل دارای انواع و سطوح گوناگونی هستند که چهار سطح از یادداشت‌های میدانی را می‌توان به توصیف درآورد:

۱. یادداشت‌برداری سریع: نوشتن یادداشت‌های منظم در میدان تحقیق تقریباً ناممکن است. حتی یک مشاهده‌گر مجرب و مشهور نیز هنگامی که در یک محیط عمومی به طور مفصل و دقیق شروع به نوشتن می‌کند، کار او ممکن است عجیب به نظر آید. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که اگر محقق در میدان تحقیق بخواهد هم و غم خود را صرف نوشتن و یادداشت مشاهدات کند، این امر سبب غفلت و نادیده گرفتن نحوه انجام امور می‌شود و بسیاری از مسائل، رویدادها و رفتارها از چشم وی پنهان مانده و او نمی‌تواند تصویری دقیق و کامل از محیط مورد بررسی ارائه کند. البته باید گفت که یادداشت در میدان تحقیق جزئی از تحقیق است، اما نباید جای مشاهده مشارکتی را بگیرد.
۲. یادداشت‌های توأم با مشاهده مستقیم: منبع اصلی داده‌های میدانی، یادداشت‌هایی هستند که محقق بلافاصله پس از ترک میدان به رشته تحریر در می‌آورد. این یادداشت‌ها باید بر اساس زمان، تاریخ و مکان ورود تنظیم شوند. آنها توصیفات دقیق و مفصّلی هستند از آنچه که محقق به واسطهٔ واژه‌هایی خاص و ملموس شنیده یا دیده است، تا آنجا که ممکن است یادداشت‌های دقیقی از کلمات، عبارات و اعمال خاص باشند.
۳. یادداشت‌های مبتنی بر استنباط محقق: یک محقق میدانی از آن رو به گفته‌های افراد در میدان تحقیق گوش فرا می‌دهد تا به تعبیری به درون آنها نفوذ کند. این امر مستلزم فرایند سه مرحله‌ای است:

۱. محقق گوش می‌دهد بی آن که از مقولات تحلیلی استفاده کند.
۲. ممکن است وی آنچه را که می‌شنود با شنیده‌های دیگر یا گفته‌های افراد دیگر مقایسه کند.
۳. محقق ممکن است از قوه تفسیر خود استفاده کند تا به استنباط و فهم آنچه معنا می‌دهد نایل آید. در تعامل عادی، هریک از ما این سه مرحله را به طور همزمان انجام می‌دهیم و سریعاً به مرحله بعد استنباط‌های شخصی خود جهش می‌کنیم. محقق میدانی باید چگونگی مشاهده و گوش دادن را یاد بگیرد، بی آنکه که به استنتاج یا تحمیل تفسیری خاص پردازد.^{۶۸}
- محقق میدانی در بخشی جداگانه به نگارش استنباط‌های شخصی خود می‌پردازد که برای مشاهده مستقیم امری اساسی و مهم است. محقق هیچ‌گاه روابط اجتماعی، احساسات و معانی را نمی‌بیند. او صرفاً اعمال فیزیکی خاصی را می‌بیند و کلماتی را می‌شنود، اما پس از آن، از دانش فرهنگی پیشین خود، سرخ‌های محیط و از آنچه گفته یا انجام شده، استفاده می‌کند تا به دریافت معنای اجتماعی آنها نایل آید. برای مثال، عشق یا خشم را نمی‌توان مشاهده کرد، بلکه صرفاً اعمال خاصی دیده یا شنیده می‌شوند و از این طریق است که به استنباط (مثلاً خشم) می‌پردازد.^{۶۹}
۴. یادداشت‌های تحلیلی: محققان ممکن است تصمیمات زیادی را در این باره اتخاذ کنند که در میدان تحقیق چگونه عمل کنند. نحوه انجام تحقیق از قبل برنامه‌ریزی می‌شود (برای مثال، انجام یک مصاحبه یا مشاهده یک فعالیت خاص). محققان میدانی ایده‌های روش‌شناختی خود را در ضمن یادداشت‌های تحلیلی برای ثبت برنامه، تاکتیک‌ها و تصمیمات اخلاقی روشمند حفظ کرده و مورد استفاده قرار می‌دهند.^{۷۰} در تحقیق میدانی نظریه در ضمن گردآوری داده‌ها ظهور نموده و به هنگام بازنگری که محقق از یادداشت‌های میدانی به عمل می‌آورد، شفافیت می‌یابد. یادداشت‌های تحلیلی بخشی از یادداشت‌های نظری برای دست‌یابی به نظریه هستند. بدین‌گونه محقق ایده‌ها به طور ژرفایی تشریح می‌کند و هنگامی که هنوز در میدان است ایده‌ها را بسط می‌دهد و در ضمن دوباره خواندن یادداشت‌ها و اندیشه و تأمل درباره آنها به اصلاح و بسط نظریه‌ای پیچیده‌تر می‌پردازد.

مصاحبه

مصاحبه دومین روش مهم در تحقیق میدانی است. در مصاحبه به طور شخصی از افراد درباره مسائل سؤال می‌شود. در مصاحبه پس از تعیین ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان، بر دانش، احساسات و ادراکات آنها درباره افکار و رفتار دیگران تأکید می‌شود.^{۷۱} مصاحبه را معمولاً گفت‌وگوی هدفمندی می‌نامند، به ویژه هدفی که معطوف به گردآوری اطلاعات است.^{۷۲}

پایایی در میدان تحقیق

پایایی داده‌های میدانی به این معناست که آیا مشاهدات محقق درباره یک عضو یا رویداد در میدان به لحاظ خارجی و داخلی دارای انسجام است؟ منظور از انسجام درونی این است که آیا اطلاعاتی که داده‌ها درباره یک شخص یا واقعه می‌دهند، در خور پذیرش است و شکل‌های مشترک فریب انسان را حذف می‌کند؟ برای مثال، آیا کنش‌هایی که از یک فرد مورد بررسی در طی زمان و در زمینه‌های اجتماعی مختلف سر می‌زند دارای انسجام است؟

انسجام بیرونی حاصل صحت یا ارزیابی و مقایسه مشاهدات با سایر منابع متنوع داده‌هاست. به دیگر سخن، آیا آن متناسب با زمینه کلی است. به عنوان مثال، آیا دیگران می‌توانند به ارزیابی صحت آنچه محقق در مورد یک شخص مشاهده نموده، بپردازند؟ آیا شواهد دیگر نیز مشاهدات محقق را تأیید می‌کنند؟

پایایی در تحقیق میدانی همچنین آنچه گفته یا انجام نشده ولی مورد انتظار و یا پیش‌بینی است در بر می‌گیرد. پایایی در تحقیق میدانی به بصیرت و دیدگاه، آگاهی، سوءظن‌ها و سؤالات محقق بستگی دارد. وی به اعضا و رویدادها از زاویه متفاوتی (قانونی، سیاسی و شخصی) می‌نگرد. محقق میدانی وابسته به آن چیزی است که افراد و اعضای گروه به او می‌گویند. میزان قابلیت اطمینان اعضا و نظرات آنها بخشی از پایایی را تشکیل می‌دهد. محقق میدانی برای ارزیابی میزان اعتبار گفته‌های افراد، هم ذهنیت و هم محیط را در نظر می‌گیرد. سایر موانع دستیابی به پایایی عبارتند از رفتارهایی که می‌تواند سبب گمراهی محقق گردد؛ مانند دادن اطلاعات غلط، گفتن دروغ و نظایر آن.^{۷۳}

روایی در تحقیق میدانی

روایی^{۷۴} در تحقیق میدانی عبارت است از اطمینان به اطلاعات و تحلیل محقق به گونه‌ای که

دقیقاً نمایانگر جهان واقعی بدانیم. در اینجا تکرار پذیری^{۷۵} مهم تلقی نمی‌شود؛ چرا که در تحقیق میدانی تکرار عملاً ناممکن است. چهار نوع روایی یا سنجش آزمون میزان دقت تحقیق وجود دارد: روایی اکولوژیکی، تاریخ طبیعی، قابلیت اعتماد اعضا، و اجرای درونی مناسب.^{۷۶}

اعتبار اکولوژیکی: توصیفی که محقق از جهان اجتماعی ارائه می‌کند تا چه حد با جهان افراد مورد بررسی همخوانی دارد؟ آیا محیط اجتماعی مورد بررسی با حضور یا به کارگیری روش‌های محقق دستخوش تغییر نمی‌گردد؟ یک طرح دارای روایی اکولوژیکی است، اگر وقایع بدون حضور محقق هم به همین نحو اتفاق بیفتند.

تاریخ طبیعی: چگونگی انجام طرح تحقیق را به دقت مورد توصیف قرار می‌دهد. بر پایه تاریخ طبیعی، در صورتی یک طرح معتبر است که یک ناظر طبیعی نیز مکان میدان و اعمال محقق را مورد تأیید قرار دهد.

قابلیت اعتبار اعضا: توانایی فرد غیرعضو به گونه‌ای کارآمد که به عنوان یکی از اعضای گروه مورد بررسی تلقی شود. این توانایی شامل بیان و درک طنزهایی نیز هست که افراد گروه برای یکدیگر بازگو می‌کنند. یک طرح میدانی معتبر کیفیت مطلوب و کافی را به زندگی اجتماعی در میدان می‌دهد و جزئیات به نحوی چندان دقیق رعایت می‌شود که یک فرد خارج از گروه نیز می‌تواند به عنوان یکی از اعضای گروه عمل کند. محدودیت در آن است که شناخت قواعد اجتماعی برای هر وضعیت امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

با توجه به خاستگاه‌های اندیشه پوزیتیویستی، از قرن هفده مباحث و مناظره‌های شدیدی در این باره صورت گرفت که مطالعه جامعه انسانی به شیوه علوم طبیعی نمی‌تواند درست باشد. ویکو از پیشگامان این نحله فکری بود. از دیدگاه او، ویژگی اصلی جامعه این است که نظام معنایی آن به گونه‌ای جمعی ایجاد گردیده است. نیز جوامع به گونه‌ای فعالانه به ایجاد نظام معانی پرداخته و از طریق آن به فهم و شناسایی خود می‌پردازد. او می‌گفت: مطالعه انسان و جامعه در تاریخ بسیار متفاوت از طبیعت است. راه تفسیر، راهی بود که تقریباً نظریه‌پردازان آلمانی نیز آن را در پیش گرفتند. شلایرماخر نخستین کسی بود که این روش را به مقامی که قادر است علوم انسانی را وحدت بخشد، ارتقا داد. مکاتب مختلف تفهیمی در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم مستقیماً وارث تفکر تفسیری هستند. از

دیگر پیشگامان پارادایم تفسیری دیلتای است. دیلتای در علم تفسیر مبادرت به ملاحظه‌هایی برای همه علوم انسانی و اجتماعی نمود. دیلتای بر آن بود که علوم انسانی می‌باید برای ضابطه‌بندی روش‌شناسی فهمی بکوشد؛ تلاشی که از عینیت تقلیل‌گرایانه علوم فراتر می‌رود و به غنای زندگی و غنای تجربه انسانی رجوع می‌کند. او معتقد است که روش‌شناسی پوزیتیویستی جایی برای این باقی نمی‌گذارد که جامعه و تاریخ فرآورده‌ها و مخلوقات انسان هستند. رفتار انسان همواره با ارزش‌ها عجین است. به هر روی، دیلتای در پی آن است که مبنایی جدید برای علوم انسانی فراهم آورد.

ماکس وبر بیشتر تحت تأثیر ریکرت قرار گرفت. او ویژگی متمایز علوم اجتماعی را می‌پذیرد، اما با این نظر موافق نیست که آنها غیرعلمی هستند و نمی‌توانند معیارهای عینیت را برآورده سازند. وبر به شیوه دیلتای اهمیت تفهیم تفسیری را به عنوان شکلی متمایز و ویژه علوم اجتماعی تلقی می‌کند. اما او به شیوه ریکرت معتقد است که تمایز اساسی میان علوم طبیعی و علوم اجتماعی جنبه روش‌شناختی دارد تا اینکه جنبه هستی‌شناختی داشته باشد. از دیدگاه وبر، امکان تفهیم تفسیری در علوم اجتماعی یک فرصت عظیم است. رفتار انسان از دیدگاه وبر کنشی نیت‌مندانه است که کمابیش معنایی را به عمل فرد نسبت می‌دهد. خلاصه آنکه، در حالی که پوزیتیویسم می‌کوشد به کنترل فنی بر پدیده‌ها دست یابد، از دیدگاه اثبات‌گرایی وجه مشخص پیش‌بینی علاقه به کنترل فنی است. اما دیدگاه تفسیری علاقه‌مند به این است که چگونه کنش‌ها متقابل معنادار می‌گردند.

روش‌های تحقیق کیفی در رشته‌های علوم اجتماعی به صورت فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. منظور از اصطلاح روش تحقیق کیفی هرگونه تحقیقی است که به تولید یافته‌هایی می‌پردازد که از طریق روش‌های آماری یا سایر روش‌های کمی سازی دسترس‌پذیر نیست. تحقیقات کیفی دارای پیش‌فرض‌هایی خاص خود است، از جمله اینکه توجه محققان کیفی عمدتاً معطوف به فرایند است، علاقه‌مند به مسئله معنا هستند و اینکه چگونه افراد به زندگی، تجربیات و ساختارهای جهان معنا می‌دهند. تحقیق کیفی مستلزم کار میدانی است. محقق مستقیماً با افراد مورد بررسی ارتباط برقرار کرده و عملاً در محیط حضور می‌یابد تا در محیطی طبیعی به مشاهده و ثبت رفتار بپردازد. همچنین تحقیق کیفی جنبه توصیفی داشته و محقق به فرایند معنا و فهمی که از طریق کلمات یا تصاویر به دست می‌آید، علاقه‌مند است.

1. Vico
2. Dilthey
3. John Hughes, *The Philosophy of Social Research*, p. 89.
4. Abel, Theodore, "The Vrestehende Sociology of Max Weber ",Max; Weber's Critical Responses, p. 216.
5. Scheleirmacher.
6. John Hughes, *The Philosophy of Social Research*, p. 69-70.
۷. ژولین فروند، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ص ۴۲.
۸. همان، ص ۴۷.
۹. ریچارد پالمرز، علم هرمنوتیک، ص ۱۰۷.
۱۰. همان، ص ۱۲۰.
۱۱. همان، ص ۱۱۳-۱۱۶.
۱۲. همان، ص ۱۱۶.
۱۳. همان، ص ۱۱۷.
۱۴. همان، ص ۱۲۷.
15. John Hughes, *The Philosophy of Social Research*, p. 90.
16. Ibid, p. 91.
17. Toby E, Huff, *Max Weber and The Methodology of Social Sciences*, p. 30.
18. Rickert.
19. John Hughes, Ibid, p. 91-92.
۲۰. داریوش شایگان، افسون زدگی جدید، ص ۲۹۰.
21. John Hughes, Ibid, p.92.
22. Theodore Abel, "The Vrestehende Sociology of Max Weber ", *Max Weber's Critical Responses*, p. 9.
23. Ibid, p. 188-189.
۲۴. محمدتقی ایمان، «تنگناهای روش‌شناختی در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران» *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ص ۲۱۳.
25. C.f. Schwartz, Thomas A, "Constructionist Interpretivist Approches to Human Inquiry" in *Landscape of Qualitative Research*.
26. D. Ashley, *Sociological Theory*, p. 52.
27. John Hughes, Ibid, p. 95.
۲۸. مارشال و راسمن، روش تحقیق کیفی، ص ۱.
29. Y. Denzin and Lincoln , "Major Paradigm and Perspectives", in *The Landscape of Qualitative Research*, p. 1.
30. Struass and Corbin, *Basic of Qualitative Research*, p. 11-12.
31. W. Lawrence Neuman, *Social Research Methods*, p. 327.
32. Kitchen Kob and Tate Nicholas, *Conducting Research into Human Geography*, p. 211.
33. W. Lawrence Neuman, Ibid, p. 327.
34. John, W. Cresswell, *Research Design:Qualitative and Quantative Approaches*.Sage Publications, p. 145.
35. Technocratic.
36. Transcendental.
37. John, W. Cresswell, Ibid, p. 229-230.
38. Non-Linear and Cyclical.
39. Ibid, p. 331.
40. Reconstructed.
41. Lawrence W. Neuman, *Social Research Methods*, p. 229-230.
42. Royce.A. and Straits B, *Approaches to Social Rsearch*, p. 321.
43. Junker, Buford, H. *Fieldwork*, p. Five.
44. W. Lawrence Neuman, Ibid, p. 344.

45. James A. Hedstein, *The New Language of Qualitative Method*, p. 19.
46. Martyn Denscomb, *The Good Research Guid*, p. 31.
47. Wax Murray, *Doing Fieldwork*, p. 21.
47. W. Lawrence Neuman, *Ibid*, p. 345.
48. *Ibid*.
49. Wax Murray, *Ibid*, p. 345.
50. Frank Salamone, "Epistemological Implications of Fieldwork and Their Consequences", *American Anthropologist*, N.81, p. 45.
51. W. Lawrence Neuman, *Ibid*, p. 345-346.
52. Sam, D. Seiber, "The Integration of Fielwork and Survey Method", *The American Journal of Sociology*, V.78, N.6, p. 1335.
53. W. Lawrence Neuman, *Ibid*, p. 345-346.
54. *Ibid*, p. 345.
55. *Ibid*, p. 348.
56. *Ibid*.
57. Van manen.
58. W. Lawrence Neuman, *Ibid*, p 346.
59. *Ibid*.
60. *Ibdi*, p. 349.
61. *Ibid*.
62. *Ibid*, p. 325.
63. Janice, M. Mores, "Designing Funded Qualitative Research" in *The Strategies of Qualitative Inquiry*, p. 47.
64. Tesch, Renta, *Qualitative Research :Analysis Types and Software Tools*, p. 55.
65. H.W. Smith, *The Strtegies of Social Research*, p. 225.
66. *Ibid*.
67. W. Lawrence Neuman, *Ibid*, p. 363.
68. *Ibid*, p. 365.
69. *Ibid*.
70. *Ibid*, p. 365-366.
71. john, C. Bolens,. & Marshal Rogers, *A Guid to Participation*, p. 36-37.
72. Berg Barcel, *Qualitative Research Methos for Social Sciences*, p. 13.
73. *Ibid*, p. 368-9.
74. Validity.
75. Replicability.
76. Berg Barcel, *Ibid*, p. 368-369.



منابع

- ایمان، محمد تقی، «تنگناهای روش‌شناختی در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران» *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۱۴۷-۱۴۸.
- پالمرز، ریچارد، *علم هرمنوتیک*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، هرمس، ۱۳۷۷.
- مارشال و راسمن، *روش تحقیق کیفی*، ترجمه پارسایان و اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
- فروند، ژولین، *نظریه‌های مربوط به علوم انسانی*، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- شایگان، داریوش، *افسون زدگی جدید*، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران، فروزان، ۱۳۸۰.
- Abel, Theodore, "The Vrestehende Sociology of Max Weber ", *Max Weber's Critical Responses*, London, Routledge, 1999.
- Ashley, D. *Sociological Theory*, USA: Allyn and Bacon. P. USA. 1995.
- Barcel, Berg, *Qualitative Research Methos for Social Sciences*, Boston, Allyn and Bacon. 1989.
- Bolens, John, c. and Rogers, Marshal, *A Guid to Participation*, New Jersey: Prentice-Hall .Inc. Engle Wood Cliffs. 1973.
- Cresswell, John, W., *Research Design: Qualitative and Quantative Approaches*, Sage Publications. 1994.
- Denzin and Lincoln , Y. " Major Paradigm and Perspectives" , in *The Landscape of Qualitative Research*. California: Sage Publications. 1998.
- Denscomb, Martyn, *The Good Research Guid*, Bukingham: The Open University Pres. 1998.
- Hedstein, James A. *The New Language of Qualitative Method*. Oxford University Press. 1997.
- Hughes, John, *The Philosophy of Social Research*, Hon Kong: Longman Group Unlimited. 1990.
- Huff, Toby E. *Max Weber and The Methodology of Social Sciences*. New Jersey: Transnational Books. 1984.
- Junker, Buford, H. *Fieldwork*, University of Chicago Press. 1967.
- Kitchen Kob and Tate Nicholas, *Conducting Research into Human Geography*, SingapoorE: Prentice Hall. 2000.
- Mores, Janice, M. "Designing Funded Qualitative Research" in *The Strategies of Qualitative Inquiry*, USA: Sage Publications, 1998.
- Neuman, Lawrence W. *Social Research Methods*, Boston: Allyn and Bacon. 1997.
- Royce, A. and Straits B. *Approches to Social Research*, Oxford University Press. 1999.
- Salamone, Frank, " *Episemological Implications of Fieldwork and Their Consequences*", *American Anthropologist*, No. 81. 1979.
- Seiber, Sam, D. "The Integration of Fielwork and Survey Method", *The American Journal of Sociology*, Vol. 78. No. 6. 1973.
- Smith, H. W. *The Strtegies of Social Research*, New Jersey: Engle, 1975.
- Schwartz, Thomas A, "Constructionist Interpretativist Approches to Human Inquiry" in *Landscape of Qualitative Research*, California: Sage Publications, 1998.
- Struass and Corbin, *Basic of Qualitative Research*, California, Sage Publication. 1996.
- Tesch, Renta, *Qualitative Research : Analysis Types and Software Tools*, New York, The Falmer Pree. 1995.
- Wax Murray, *Doing Fieldwork*, United States: The University Chicago Press. 1971.